

سخنان داریوش فروهر در آئین دیدار نوروزی پاک رگران

سه‌شنبه ۵۸/۹/۷

بنام خدا و بنام پایداری ایران

درود به روان پاک شهیدانی که بانثار خون گرم خود

انقلاب اسلامی ملت ایران را به پیروزی رساندند، درود

به رهبر عالی انقلاب اسلامی ملت ایران امام خمینی

که در یکی از سخت‌گذرترین مراحل تاریخی، ملت ما را

به سوی پیروزی رهبری کرد.

خواهران و برادران کارگرنخستین نوروز انقلاب

اسلامی ملت ایران بر شما مبارک باد. من بسیار خرسندم

که امروز این افتخار را پیدا کردم، در میان شما به سنت

کهن ایرانی، آغاز سال نور به یکدیگر شادباش بگوئیم.

سالی که گذشت برای ملت ایران بسیار ارزشمند بود،

در این سال، مردم ایران از زن و مرد، از پیر و جوان

از کشاورز و کارگر، کارمند و دانشجو و فرهنگی همه با هم

به پا خاستند و استبداد و وابسته‌به‌بیگانان را از ایران

برچیدند. این کار ساده‌ای نبود که ملت ما توانست با

وحدت عقیده و وحدت عمل انجام دهد.

در مرحله انقلاب همه ما با هم به پا خاستیم ، مبارزه کردیم ، از جان خود ، از جان فرزندان خود ، برادران ، مادران و پدران خود ما بیه گذاشتیم و نیروی بزرگ را با دشمنی سرسخت تا بدانجا رساندیم که جهان با شگفتی دید که ملتی در سایه یک حرکت انقلابی می تواند قوی ترین نظام های دیکتاتوری را درهم بشکند .

ما همه این راه را با وحدت آمده ایم .

یکی از کارگران عزیزی که این جا قرار گرفت و شاہباش گفت دبیرسندیکای کارگران پالایشگاه نفت تهران بود و مرا به یادروزی انداخت که نشان می دهد چگونه با وحدت این مبارزه به اینجا رسانده است .

در شاهگاهشازدهم شهریوردریایان آن راه پیمائی اعجاب انگیز که در سطح شهر تهران بیش از ۲ میلیون نفر بی هیچ تدارک قبلی دهان به دهان به هم دیگر گفتند که راه پیمائی خواهیم کرد خسته ولی سرشار از پیروزی به دفتر کارم بازگشتم ، آنجا او و سایر کارگران پالایشگاه را دیدم که با هم قرار یک تحصن را برای فردا می گذاردند تا به خواستهای آنها در باره رفاه بیشتر کارگران در زمینه

مسکن حامسه عمل پوشیده شود. اما از محتوای سخن آنها پیدا بود که در پشت این خواست، مقدمات تصمیم به خواباندن چرخ تولیدی که آن هنگام به سود دشمن می چرخید وجود دارد، فردا از اادیو صدای برق راری حکومت نظامی شنیده شد و حمه سیاه، جمعه ای که در میدان شهیدان صدها ایرانی بر سر تصمیم خود جان باختند، فرا رسید. و من که بنا بر وظیفه خود از چنگ ما موران فرماندهان نظامی خود را به دورنگه داشته بودم نگران بودم، این برادران کارگر چه کردند همچنان که گفتند آنها تصمیم خود را تغییر ندادند و از همانجا اعتصابها آغاز شد، اعتصاب هائی که گلوی استبداد را فشرد. شاهرگ استعمار را قطع کرد، تا ایرانیان آزاد و مستقل گردیدند من به عنوان یک سرباز قدیمی نهضت یک درد آشنا به شما کارگران ایران، که سرانجام نقش اساسی را در نجات این ملت بازی کردید درود می فرستم. پیکار با همه جان ادا می یافت، انقلاب نزدیک به چهار روز پیش پیروز شد. سایه شوم استبداد و وابسته به استعمار از این کشور بر جیده شد. از آن هنگام انقلاب ما وارد مرحله جدیدی شده است، از آن هنگام انقلاب دوره

سازندگی را آغاز کرده . به سراسر جهان نگاه کنید هر جا جنگی با دشمن ملت درگیر شده است ، هر جا انقلابی پدید آورده است در پایان نبردی سخت تروپرا رزش تر آغاز شده است و آن از میان برداشتن آثار دوران مبارزه آثاری که بی شک آسیب هائی همراه داشته است . شاه سابق یکبار گفت که اگر از ایران بروم کشوری ویران باقی خواهد ماند ، خواهد بود و برادران عزیز من ، این یک حقیقت است و ما اکنون در میهنی جنگ زده و در میهنی ویران شده بسر می بریم ، کشتزارهای مابی کشت مانده است ، کارخانه های ما از کار با زمانده اند ، نیروی کار ما بیکار شده است و اینها همه برای آینده ایران خطرناک است . مرحله سازندگی انقلاب ایران ایجاب می کند با همه نیرو به کار پردازیم . این کار یک کار انقلابی است ، نیاز به نظم دارد ، نیاز به فداکاری دارد ، بینید ملت های دیگر در پایان هجوم بیگانگان چه کردند ؟ ملت های دیگر در پایان دوران دیکتاتوری چه کرده اند ؟

امروز تخم نفاق افشاندن ، نیروهای انقلاب را
 رودر روی هم قرار دادن به جای آنکه به دردها اندیشیدن
 و درمان حستن ، برسرجوگی درمان برسره هم کوبیدن
 اشتباه محض است ، ما در برابر دشواریهای بسیاری که
 رودر روی ماست به وحدت و به نظم انقلابی و کارشایانه روزی
 نیازمند هستیم . من ، روزی که دستور داده شد در کنار شما
 برای بسیج نیروی کار ملت ایران ، در راه مرحله سازندگی
 انقلاب کوشش کنم ، گفتم می روم که خدمتگزار کارگران
 باشم و با همه وجود به کمک همکارانم از آن روز کوشیده ام که
 به پیمانی که در پیشگاه تاریخ بسته ام وفادار بمانم .
 فراموش نکنید چگونه دشمنان ملت ما همه چیز را از
 کارانداخته بودند ما باید همه با هم بکوشیم کارخانه ها
 بکار افتند ، کارگاهها کار خود را از سر بگیرند ، کشتزارها
 فرصت کار بیا بند و آنگاه سطح اشتغال به حدی برسد که همه
 کارگران ایران در مرحله سازندگی انقلاب فرصت کار کردن
 و فداکاری کردن داشته باشند ، کسانی که راه می افتند فکر
 می کنند با دادن شعار ما می توانیم به کار برگردیم سخت
 در اشتباه هستند . من بهیچ وجه نمی خواهم اینجا پیرامون

مالکیت صنعتی و روابط اقتصادی ، آن چیزی که تصمیم گیری در باره آن بسته به اراده همه ملت است و باید در یک مجلس موسسان برگزیده از میان ملت نسبت به آن تصمیم گرفته شود ، حرفی بزنم .

اما به هوش باشید ما به آن مرحله در صورتی خواهیم رسید که نیروی کار ایرانی به کار بازگردد ، من در نخستین دیدارها به کسانی که دایه دل سوز ترا ز ما در شده بودند گفتم کارگر ایرانی از حداکثر شعور سیاسی و اجتماعی برخوردار است ، کارگر ایرانی نیاز به ولی و آموزشگر سیاسی و اجتماعی ندارد ، اجازه بدهید که این کارگر در جستجوی وظیفه خود باشد ، به وزارت کار فرصت دهید که همه نیروی خود را و همه نیروی دولت موقت انقلاب را بکار گیرد تا بشود با ایجاد کار ، همه کارگران ایرانی بکار بازگردند . با اینهمه من به این نتیجه رسیدم که بحران ابعاد گسترده ای دارد . باید کوشش کرد که کارگر ایرانی از یک حداقل برای گذران زندگی برخوردار شود و هرگز نخواستم به کارگر ایرانی اهانت شود ، ترتیبی داده شود به کارگر ایرانی تا هنگامی که ما به اجبار از کار بازمانده دست او از چرخ و ماشین جدا شده است اندک و کمی داده شود تا برای

مرحله بعدی بتوان به کار داد. متاسفم، امروز شنیدم در کارخانه‌ها جزوه‌هایی پخش می‌کنند که چگونه باید کارخانه‌ها را تعطیل کرد.

اگر این کارخانه‌بهریه‌ها نه تعطیل شود، اگر کشاورز ایرانی از کشت دست بکشد و اگر کارگر ایرانی فرصت‌کار کردن نیابد، همه ما به گردابی فرو خواهیم رفت که دیگر نشانی از ایران و ایرانی نخواهد ماند.

خواهران و برادران عزیزم:

خواب برچشمان آن خدمتگزار نیا بد که کارگر ایرانی را بیدار در برابر سختی‌ها ببیند، خواب به آسودگی به سراغ من و همکارانم نیا بیدار نتوانیم وظیفه خود را در برابر شما و برای ایجاد کار انجام ندهیم. اما این فرصت می‌خواهد، دوستی در اینجامن شاد باشی که به او گفتم، گفت گرسنه‌ام خواهم گفت که گرسنه‌ای برادرم می‌دانم که گرسنه‌ای.

شبانه روز می‌کوشم بی آنکه بتوانم هانتی شود کار داشته باشی و از نیروی بازوان توانای خود زندگی. اما ایمن همکاری من و شما را می‌خواهد، دست‌رده‌سینه‌کسانی زدن

می خواهد که فکرمی کنند با شعار کار را ایجاد می شود، از رهبر انقلاب! ما م خمینی و همه وزیران که با مسئله ایجاد کار روبرو هستند تلاشی همه جانبه آغاز شده است تا زمین سه بالا بردن سطح اشتغال هر چه زودتر با به راه افتادن با انجام برنامه های عمرانی و تولیدی فراهم شود.

رهبر! انقلاب گفته است :

"تقاضای من این است، همچنانکه در مرحله انقلاب نظم انقلابی داشته اید در مرحله سازندگی هم نظم انقلابی خود را حفظ کنید" من امیدوارم و با همه همکارانم در تلاش بی وقفه ای بصرمی بریم که همه نیروهای کار ایرانی بکار بازگردد. ما باید فراموش نکنیم که در پایان یک جنگ هستیم. به همه کشورهای جنگ زده نگاه کنید کمرها را تنگ تر بسته اند توقع ها را کاستند، نیروی کار خود را افزودند، حتی با زندگی چیره بندی هم بود، سختی ها را پشت سر گذاردند، ولی به دادن شعاری که هیچ چیز را دگرگون نخواهد کرد اکتفا نکردند.

همیشه من و همکارانم آماده هستیم هرگونه پیشنهاد و هرگونه نظریه را با آغوش باز بپذیریم، اما اگر کسار به

! خلال از ناحیه گروهی معدود که خود را قیم اردوی بیکران
 کارگران ایران می دانند بکشدمن با بیکرنا چیزم در برابر
 خلال ها با همه نیرو خواهم ایستاد .

من خواهش می کنم کارگاہها و کارخانه های کسه
 بکار افتاده است و لودر سطح مدیریت آن وضع نابسا مان
 و ناخوش آیندی وجود داشته باشد بیکوشه این وضع غلط را با
 همکاری وزارت کار از میان بردارید ، به کسانسی کسه
 می خواهند همین مدیریت ناقص را فلج کنند و همین
 کارهای را که می شود متوقف کنند توجه نکنید ما با بیکوش
 کنیم حتی کارگاہها و کارخانه ها که مدیریت آن به نظام
 فاسد گذشته و استثماری گذشته و بستگی داشته است بهر شکل
 شده به کار ببندازیم . شما توجه داشته باشید مسئله مدیریت
 امروز مسئله پیچیده ای است ، اجازه بدهید این با همکاری
 خدمتگزاران شما در وزارت کار حل شود ، حق طلبی را ادامه
 بدهید ، من یادآور می شوم تنها راه دفاع کارگرا ز حقوق
 خود داشتن سندیکا های سالم است و بس . تکیه به شورا های
 خلق الساعه ، کمیته های به اصطلاح انقلابی که هنری جز
 از کار با زدا شدن کارگران ندارند . هرگز مقید نیست ،

نیروی وزارت کار و رفاه‌بخش به عنوان یک سندیکا سازمان‌یافته در ایران
 نیست به عنوان زمین‌ساز برای کارگرانی که می‌خواهند
 سندیکا بسازند، به عنوان تشویق‌کننده کارگران برای
 تشکیل سندیکا به عنوان از میان برنده راه دشواری‌های
 که در راه ساختن سندیکا‌های سالم وجود دارد در بست در
 اختیار شماست، همه نیروی خود را بسیج کنید برای ساختن
 سندیکا‌های واقعی که در واقع حقوق شما باشد و در عین حال
 به همت همین سندیکا‌ها محیط کارگاه‌ها و محیط کارخانه‌ها
 را از برخورد عقاید و آراء از اعمال نظریات سیاسی این
 دسته و آن دسته به دوردارید همه می‌دانید من صاحب
 یک عقیده سیاسی هستم، همه عمر برای آن جنگیده‌ام تا آخر
 عمرم برای آن خواهم جنگید، اما هرگز به عنوان خدمتگزار
 کارگران اجازه نمی‌دهم کارگران برای یک اندیشه
 به خدمت گرفته شوند، کارگران با هر اندیشه پایه‌های
 سازندگی ایران آینده هستند، این فرزندان انقلاب اسلامی
 ایران را، این پاسداران انقلاب اسلامی ایران را باید
 فارغ از هر اندیشه خاص فرصت داد که ایران آینده را

آنچنانکه دلخواه آنهاست بسا زند، نه طبق نمونه‌های
اندیشه‌های وارداتی * در پایان صحبتیم یک بار دیگر
از همه شما زنان و مردان کارگرای ایرانی طلب یاری می‌کنم
که دست در دست هم در مرحله‌سازندگی وظیفه‌ای را که
به نیروی کار این ملت سپرده است انجام دهیم و آینده
ایران را چنان بسازیم که همچنان که انقلاب اسلامی
ملت ایران نمونه بودنیروی کار ایران هم در مرحله
سازندگی نمونه باشد...